

بیانات در دیدار شاعران در شب میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام - 2 / مرداد / 1392

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً لذت بردیم از شعرهائی که دوستان خواندند. بعضی از شعرها بسیار خوب بود، بعضی خوب بود. وقتی که به حافظه مراجعه میکنم، به نظرم میرسد که امسال در مجموع، شعرها نسبت به سالهای قبل سطح بالاتری داشتند؛ و این نشان میدهد که بحمدالله حرکت شعر در کشور، يك حرکت مستمری است؛ این حرکت، رو به جلو است؛ و این برای ما خیلی مغتنم است.

شعر، یکی از برجسته‌ترین هنرها است؛ و هنرمند - چه هنر شعر، و چه سایر هنرها - جزو زیدگانی است که در زمینه‌ی مسائل دارای مسئولیت، مسئولیت سنگین‌تری دارد؛ طبیعی است دیگر. نخبگان - چه نخبگان سیاسی، چه نخبگان علمی، چه نخبگان فرهنگی - در هر بخشی، مسئولیتشان از مسئولیت غیر نخبگان بیشتر است. هنرمند يك نخبه‌ی برجسته است؛ بنابراین مسئولیت دارد. به نظر من این مسئولیتها را باید جدی گرفت و هنر شعر را که هنر بسیار فاخر و مهم و کهنه‌نشده‌ی در تاریخ است، متضمن و حامل این مسئولیتهاى سنگین کرد. البته احساسات بشری شاعر را باید در نظر گرفت، دلتنگی‌های شاعر را هم باید در نظر گرفت، اندیشه و حکمت شاعر را هم باید در نظر گرفت؛ یعنی هر کدام از این سه بخش، بخشی و فصلی از هنر شعر را به خودشان اختصاص میدهند. جای گله‌گزاری هم نیست؛ یعنی اگر احساسات شاعرانه، احساسات عاشقانه، احساسات مربوط به مسائل جاری زندگی شخصی در شعر نیاید، شعر در واقع همه‌ی کار خودش را انجام نداده. بنابراین بخشی از شعر مربوط است به احساسات شاعر؛ که خب، گاهی در این زمینه افراط میشود و همه‌ی شعر اختصاص پیدا میکند به این احساسات.

يك بخش، دلتنگی‌های شاعر است؛ این را هم ما در شعر شاعران مشاهده میکنیم. غالب شعرا - مال زمان خاصی هم نیست؛ همه‌ی زمانها، تا آنجائی که بنده فرصت کرده‌ام و توانسته‌ام و شناخته‌ام و دیده‌ام - در دوره‌های مختلف، شاعران دلتنگند؛ حسرت يك چیزی را فراتر از آنچه که در زندگی آنها وجود دارد، میخورند. حسرت آن جهات معنوی و اینها را کاری نداریم؛ نه، از لحاظ وضع مادی، از لحاظ مشکلات، از لحاظ ضربه خوردن‌ها و جریحه‌دار شدن‌ها، گله‌هائی دارند، دلتنگی‌هائی دارند. همه‌ی شعرا هم این دلتنگی را دارند. من دیدم در یکی از شرح‌حال‌های شعرای اواخر دوره‌ی مغول، که گله میکند و میگوید که بله، متأسفانه بازار شعر کاسد است، به ما توجهی نمیشود؛ در گذشته چنین بوده، چنان بوده. این در وقتی است که شعرا مورد احترام بودند، به آنها پول میدادند، هموزنشان طلا یا نقره میدادند! یعنی همیشه این حالت وجود داشته. این دلتنگی‌ها هم يك سهمی در شعر شاعر دارند؛ جای گله هم نیست. بنده هیچ وقت از هیچ شاعری گله نمیکنم که او برخی از دلتنگی‌های خودش را از اوضاع در شعر می‌آورد. بالاخره روح شاعر روح حساسی است، ظریفی است؛ از يك چیزی رنجیده میشود، ناراحت میشود. بنابراین واقعاً هیچ جای اشکالی وجود ندارد. خیلی از این دوستان نزدیک و صمیمی از رفقای شاعر ما از این دلتنگی‌ها داشته‌اند و بنده هم جزو مستمعهای خوب و صبور شعرهای دلتنگی اینها بوده‌ام. بنابراین ما این دو بخش شعر را به رسمیت میشناسیم: هم آنچه که مربوط به احساسات است، هم آنچه که مربوط به بیان دلتنگی‌ها است. لیکن يك بخش دیگر هم هست که اندیشه‌ی شاعر است، حکمت شاعر است؛ این نباید مغفول‌عنه قرار بگیرد. شما سعدی را ببینید؛ قله‌های شعر ما اینها نیستند دیگر؛ سعدی از همان - به قول شماها - شاعرانه‌ها، عاشقانه‌ها و احساساتی‌ها فراوان دارد، از آن دلتنگی‌ها هم زیاد دارد؛ هم در «بوستان» دارد، هم در غزلیات و جاهای دیگر دارد؛ اما حکمت سعدی را مشاهده کنید چطور در شعر او گسترده است. سعدی را به عنوان يك حکیم میشود شناخت. این است که کسی مثل سعدی را، کسی مثل حافظ را، کسی مثل صائب را به قله میرساند. حکمت، اندیشه‌ی حکیمانه، مسائل لازم برای آموختن به انسانها، اینها را فهمیدن و در شعر گنجاندن و بیان کردن - که معارف دینی و معارف انسانی و سبک زندگی جزو برترینهایش است - اینها مسئولیتهاى شاعر است. من توصیه‌ام این است که دوستان، این سهم

عمده و مهم را از شعر هرگز فراموش نکنند؛ البته در شعرهای امشب خوشبختانه سهم وافری در این بخش وجود داشت.

در مسائل مربوط به جامعه و زمان خودمان هم شاعر دارای مسئولیت است. امروز يك حرکت عظیم تاریخی از درون جامعه‌ی ما به وجود آمده و الهامبخش مجموعه‌های بزرگ بشری شده؛ این يك واقعیت است. مواجهه‌ی انقلاب اسلامی با نظام سلطه‌ی بین‌المللی، ایستادگی در مقابل زورگوئی‌ها، از سوی يك ملتی که دوپست سال یا بیشتر زیر بار زورگوئی‌های دیگران بوده، و برافراشتن پرچم آزادی و آزادگی در این کشور، چیز خیلی مهمی است؛ این باید در شعر شاعران ما ظهور پیدا کند. همچنین آنچه که در پی این آزادی آمد. من بارها در همین جلسه و جلسات دیگر گفته‌ام که مسئله‌ی جهاد نظامی هشت‌ساله‌ی ما چیز کمی نبود، چیز مهمی بود؛ که به نظر من در شعر ما خیلی باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین جهاد بنای جامعه‌ی اسلامی، جهاد استحکام بخشیدن به ساخت قدرت ملی که ما مکرر رویش تکیه کردیم، جهاد اصلاح سبک زندگی - که عرض کردیم متن تمدن اسلامی این است و آنچه که در غیر از سبک زندگی بحث میکنیم، همه شکلها و شیوه‌ها و اندازه‌گیری‌ها است - اینها هر کدام يك جهاد است؛ حضور در این جهاد از طریق شعر، باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین مسائل مربوط به تاریخ، مربوط به زمانه. امروز بیداری اسلامی يك مسئله‌ی مهم است، مسئله‌ی فلسطین يك مسئله‌ی مهم است؛ اینها باید در شعر ما سهم داشته باشند، ما در شعرمان باید به اینها بپردازیم. به‌رحال اینها چیزهایی است که اهمیت دارد.

من يك توصیه‌ی دیگر هم دارم - که اینجا یادداشت کرده‌ام - توجه به شعر کودک که متضمن مفاهیم حکمت اسلامی و حکمت سیاسی باشد، به نظر ما یکی از کارهای لازم است و امروز يك مقداری جایش خالی است. شعر کودک و کتاب کودک و نوجوان از جمله‌ی بخشهای مهمی است که امروز مورد توجه است. شعرائی که توانائی دارند، زبان رسائی دارند، باید مفاهیم حکمت‌آمیز را، یعنی حکمت اسلامی و ایرانی را در شعرهای فارسی بگنجانند. استعدادهای جوان باید پرورش پیدا کند. ما در بین جوانها استعداد زیاد داریم و جوانها هم راحت‌تر میتوانند حقایق را بپذیرند و این حقایق را در بیان خودشان و در شعر خودشان منعکس کنند.

خدا را شکر میکنیم - الحمدالله - که امروز زبان شاعران ما، زبان گویائی است؛ حقایق خوبی هم با این زبان دارد بیان میشود. اگر بخواهیم امروز را با مثلاً ده سال قبل - که همین جلسه هر سال در همین شب یا شبیه این شب تشکیل میشده - مقایسه کنیم، واقعاً حرکت به جلو کاری کرده که امشب با آن شبهائی که ما داشتیم، قابل مقایسه نیست؛ یعنی حقاً و انصافاً شعر انقلاب ما، شعر جوانهای ما، شعر عزیزان شاعر متعهد و مسئول ما، شعر پیشکسوتهای ما، شعر کسانی که در میدان تربیت جوانها حضور دارند و نقش ایفا میکنند، به نظر من خیلی پیشرفتهای خوبی کرده. همان‌طور که گفتم، دوستان و شعرای خوب ما مرتب مشغول نکوتر شدند - «تا تو نکوتر میشوی» (۱) - هم در زمینه‌ی شعر، هم در زمینه‌ی نقد. من گاهی مقالات بعضی از دوستان را در بخش نقد شعر میخوانم؛ واقعاً انسان لذت میبرد؛ پرمغز، خوب؛ ان‌شاءالله ادامه دهید. امیدواریم خدای متعال به کارهای دیگر شما هم برکت دهد و ان‌شاءالله بتوانید پیشرفتهای روزافزون را بر ذخیره‌ی معنوی شعر فارسی بیفزائید. مجدداً از دوستان تشکر میکنیم.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(۱) تا تو نکوتر میشوی من مبتلاتر میشوم / حُسن تو را رو در بهی درد مرا بهبود نه»
(نظیری نیشابوری)